

سید پرویز کامبخش

مزار شریف ۱۳۸۶

ارنستو چه گوارا اسطوره ضد امپریالیزم!

« ارنستو رافائل دولاسرنا » نام کامل اوست و لقب « چه » را کوبایی ها بر وی داده اند که معروف به « چه گوارا » است . کوبایی ها بر افراد مورد پسند و محبوب و ماندگار خود لقب « چه » را مینهند که نام بزرگ مرد ارنستو گوارا دولاسرنا هم با این لقب ملحق شده و از چهره های ماندگار و جاوید کوبا است .

چه گوارا فرزند نجیب خلقها و مرد پایه گذار مبارزات «چریکی» جهانی و چهره ماندگار جنبش های مارکسیستی قرن بیستم بود. اودر اصل اهل آرژانتین است ولی با شناخت یار و همکار و هم سنگرش « فیدل کاسترو » و با اقامت در کوبا خود را بار ها و بار ها کوبایی میخوانده .

« چه گوارا » تنها یک جنگجوی قهرمان نبود. او همچنین یک متفکر انقلابی، پیشرو طرحی سیاسی و اخلاقی بود که به خاطر آن نیز مبارزه کرد و جان سپرد . فلسفه ای که به ایمان ایدئولوژیک او یکپارچگی، رنگ و بو و گرما می بخشید، انسانگرایی اساسا انقلابی است [۱]. از نظر « چه »، کمونیست حقیقی و انقلابی واقعی، کسی است که به مسایل بزرگتر جامعه انسانی، به عنوان مساله شخصی خود می نگرد، کسی که " همواره با کشته شدن انسانی در هر کجای جهان درد عمیقی احساس می کند و هربار که پرچم آزادی در هر کجای گیتی به اهتزاز در می آید، سرشار از شادی و سرور میگردد". انترناسیونالیسم او علاوه برآنکه امری بود قاطع ، ایمانی بود غیر مذهبی،

بستری معنوی و روشی بود برای زیستن، خود اصیل ترین، پاک ترین، سلحشور ترین و مشخص ترین بیان انسانگرایی انقلابی نیز بود .

چه گوار در ۱۴ ژون سال ۱۹۲۸ در شهر روز آریو آرژانتین دیده به جهان پر از فقر ، باروت ، کشتار ، چپاول و تاراج گری ها به قول خودش پا گذاشت . تحصیلات خود را تا حد دکترا در رشته « پزشکی » در بوینس آیرس به پایان برد . در سال ۱۹۵۱ از تعدادی از کشور های امریکای لاتین دیدار کرد و فقر و فلاکت و بی عدالتی را از نزدیک لمس کرد و اعتقادش نسبت به انسانیت بیشتر و بیشتر شد.

ارنستو گوارا در سال ۱۹۵۵ میلادی در شهر مکزیکو با فیدل کاسترو ملاقات کرد. کاسترو در آن هنگام جنبش ۲۶ ژوئیه یا M26 با اشاره به نام خوزه مارتی را تدارک می دید. ارنستو جزو ۸۲ مردی بود که در سال ۱۹۵۶ میلادی با فیدل کاسترو به کوبا رفتند و فقط ۱۲ نفر آنها موفق به بازگشت شدند. از آن پس آنها جنگ چریکی علیه رژیم دیکتاتوری فولخنسیو باتیستا مترسک دست نشانده آمریکا را آغاز کردند. در این نبرد نابرابر از نظر تعداد سرانجام این مورچه بود که در مقابل فیل پیروز شد و خلق کوبا را از زیر بار رژیم دست نشادۀ امپریالیزم رهایی بخشید و امروز هم کوبا به نامش افتخار دارد و کوبایی ها او را از کوبا میدانند .

او یک کمونیست بود ! و کمونیسم را علم رهایی پرتاریا میدانست و به گار گران خطاب میکرد که برای رهایی از زیر بار ظلم امپریالیزم باید سوسیالیسم را انتخاب کرد . به انسانیت باور کامل داشت و انسان را به مثابۀ والا ترین پدیده ستایش میکرد و با انسان و انسانیت ، تمامی تار و پود وجودش گره خورده بود . تا جایکه اندیشه و عشق او به انسان فراتر از مرزهای جغرافیایی و نژادی است. بارزترین ویژگی او را می توان روحیه مبارزه جویی و آشتیناپذیری با ظلم و استبداد در هر قیافه و شکل دانست. او نه مرد سیاست بود و نه حسابگر و از دغلها و نیرنگهای آن بیزار .

به گفته کاسترو رفیق و همسنگرش : « او کارگران را دوست میداشت و همیشه با آنها به کار های شاقه میپرداخت . »

این بدان معنی نیست که از این طریق میخواست در قلب کارگران برای باقی ماندن در قدرت جا پیدا کند چرا که او هیچ تمایلی به داشتن قدرت در خود راه نمیداد ، اگر او یک قدرت طلب میبود هیچگاهی از شهرت و قدرتی که در کوبا بدست آورده بود جانب بولیوی برای رهایی خلقهای امریکای جنوبی از زیر بار سلطه امپریالیز امریکا حرکت نمیکرد .

چه گوار نه امروز دیگر یک کوبایی و یک آرژانتینی نیست ، او دیگر به یک پدیده ماندگار جهانی مبدل شده و در سراسر جهان از محبوبیت والای بر خوردار است . قسمیکه امروز تصویر او در کالا های تجارتي ، پرفروش ترین کال های تجارتي جهان است . هر که به انسان باور دارد و هر کسیکه دم از « هیومانیزم » بودن میراند تا اعتقاد به « چه گوارا » نداشته باشد و او را با تمامی وجود ستایش نه نماید ، دیگر او یک انسان دوست نیست بلکه او کسی است که با نام انسان و انسانیت تجارت میکند

طبق آمار مجله تایم ، در استکهلم بیش از سیصد عنوان کتاب درباره او منتشر شده است. کافه‌ای در مالزی وجود دارد که روی تمام گیل‌اس های قهوه‌اش عکس او چاپ شده است و پاتوق طرفداران «چه» است. تفریح جوانان میلانی، فروش تی‌شرت‌های «چه» کنار خیابان‌هاست. دولت برزیل نام چند سینمایی این کشور را «ارنستو چه‌گوارا» گذاشته است. کلاه مدل «چه‌گوارا» پر فروش‌ترین نوع کلاه در تابستان‌های ترکیه است. مارک «چه‌گوارا» معروف‌ترین مارک سیگار در سودان معرفی شده است و باز هم طبق آمار مجله تایم حدود ۷۶ درصد جوانان دنیا «چه» را می‌شناسند و برای او احترام قائلند. مردم بولیوی به خود می‌بالند چون «چه» به خاطر آنان و در آنجا کشته شده است . هر از گاهی دعوای میان ملت‌ها هم بالا می‌گیرد. ایرلندی‌ها معتقدند چون پدر «چه» اهل این کشور بوده پس «چه» به آن‌ها تعلق دارد. آرژانتینی‌ها می‌گویند که چون او ملیت این کشور را داشته و در همان جا تحصیل کرده پس يك آرژانتینی‌است. کوبایی‌ها اعتقاد دارند که چون «چه» در سرزمین آن‌ها و به خاطر

آن‌ها جنگیده در يك سخنراني گفته که افتخار مي‌کند کوبايي باشد، پس او اهل کوبا است. چه‌گوارا را نمي‌توان متعلق به يك کشور دانست، چه آنکه نام و عکس چه‌گوارا امروزه در تمامی کشورهای دنیا به نماد اعتراض درمقابل استبداد و سرمایه داري نوین بدل شده است. «چه» متعلق به تمامی آزادي خواهان ضد امپرياليسم جهانست. ارنستو چه‌گوارا يکي از خيل عظيم اسطوره‌هاي تاريخ است.

امروزه پس از گذشت چهل سال از مرگش هنوز هم او يکي از چهره‌هاي محبوب اسطوره‌هاي به خصوص درمیان جوانان است. اسطوره‌ء عصيان که نامش پرچم هر مبارزه‌اي است. شخصي که تصويرش بر پيراهن‌هاي سرخي نقش بسته که جوانان معترض بر تن مي‌کنند بي آنکه از اندیشه‌هاي انقلابي او خبر داشته و يا حتي جهان بيني او را پذيرفته باشند .

چه ميتوانيست همانند تمامی پزشکان در گوشه‌ء از شهر بوينس آيرس معاینه خانه باز کند و از اين طريق به مردم خدمت کند . ولی با درک اين موضوع که نمیتوان از اين طريق با تمامی بيچارگان جهان کمک کرد ، و کشور های که تحت سيطره‌ء امريکا و ياران جهانخوارش قرار دارد و مردم اين سر زمين ها را با آزادی کامل رساند دست به مبارزه‌ء ماندگاری برد که نامش را در زمره‌ء چهره های محبوب جهان در قلب معترضان سياست آمريکا حک کرد و تا جايکه امروز با آنکه او يک مسلمان نبود و حتی ايمان به خدا نداشت و سجده گاهش بشر و انسانيت بود ، مسلمانان روشن ضمير جای او را بهشت (مدينه فاضلهٔ اسلام) ميداند و با خطاب به انسان دوستی و فداکاریش در امر مبارزه با ارتجاع و اشغال و استثمار و استعمار او را ولاتر از يک انسان عادی ميخوانند .

«چه‌گوارا» مردی بود که هرگز شخص در بند مقام، رهبري و يا افتخارات نبود. او اعتقاد راسخ داشت که مبارزهء چريکي انقلابي، شکل بنيادين اقدام براي کسب آزادي خلق‌هاي آمريکاي لاتين است و اين نتيجه‌گيري ناشي از اوضاع اقتصادي، سياسي و اجتماعي تقريباً تمام کشورهای آمريکاي لاتين بود. «چه» عميقاً بر اين باور بود که رهبري سياسي و نظامي مبارزه چريکي بايد يگانه باشد و اين که مبارزه تنها مي‌تواند

توسط خود واحد چریکی رهبری شود، نه از طریق دفاتر راحت بوروکرات ها در شهرها .

چه گوارا به معنای واقعی کلمه يك چريك مبارز انترناسیونالیست بود. او می گوید: « هر قطره خون ریخته شده در سرزمینی که در زیر پرچمش زاده نشده باشی، تجربه ای است که به زندهء ماندگان منتقل می شود تا بعداً آن را در مبارزه برای رهایی کشورشان به کار برند. همچنان که که خلقی خود را آزاد می سازد، قدمی بر می دارد در پیکار برای رهایی مردم خود ما.

هفتم اکتبر ۱۹۶۷ «چه» آخرین سطرهای وقایع روزانهء خود و گروه چریکی اش را نوشت. روز بعد در ساعت يك بعدازظهر در يك درهء کم عرض و تنگ، جایی که برای درهم شکستن محاصره به انتظار شب نشسته بودند، نیروی عظیمی از دشمن بر آن ها تاخت. گروه کوچک مردانی که واحد چریکی را تشکیل می دادند تا گرگ و میش بامداد قهرمانانه جنگیدند. از کسانی که در نزدیک ترین مواضع به «چه» می جنگیدند کسی زنده نماند جزو دو نفر که به همراه «چه» مجروح و دستگیر شدند .

روز بعد از دستگیری «چه» با شنیدن صدای شلیک فهمید که دو هم‌رزم «پروپی» و «بولیوی اش» اعدام شده اند. نوبت به «چه» رسیده بود، مجری اعدامش دستخوش تردید شده بود.

ساعتی بعد چه گوارا دست بسته در انتظار اعدام بود. سربازان به خط شدند. ((چه)) دلش می خواست سیگار بکشد. اما نمی توانست. نگاهی به جیب پیراهن طوسی رنگش کرد که ته سیگار برگی از آن بیرون زده بود. سربازی جلو آمد و چشم چه گوارا را با دستمالی سیاه بست. سربازان آماده شلیک بودند...

ناگهان ((چه)) با تمام وجود فریاد زد: شلیک کنید ترسو ها! شلیک کنید!... شما یک مرد را می کشید! آنگاه با شلیک يك رگبار مسلسل از کمر به پایین حکم اجرا شد. جلادان دستور داشتند او را از سر و سینه هدف قرار ندهند تا مرگش به تعویق بیفتد. این تصمیم ظالمانه عذاب «چه» را طولانی می کند تا این که گروهبانی که او نیز مست

بوده است گلوله‌ای به پهلوی او شلیک می‌کند و به زندگیش پایان می‌دهد. این شیوه رفتار، درست نقطهء مقابل احترامی بود که «چه» بدون استثنا نسبت به افسران و سربازان بسیاری نشان می‌داد که به اسارت او درآمده بودند. برای «چه» ساعت‌های پایانی زندگی‌اش در چنگ دشمن فرومایه قطعاً بسیار تلخ بوده است؛ اما هیچ کس بهتر از او آمادگی گذراندن چنان آزمونی را نداشت .

هشتم اکتبر چه‌گوارا تیر باران شد. جسدش را به هلی‌کوپتر بستند تا به همه اعلام کنند که چریک مبارز را دستگیر کرده‌اند پس از انتقال جسد «چه» به «هیگوئرا» روستایی در شمال بولیوی، تازه همه فهمیدند چه کسی کشته شده است. حکومت وقت از ترس، جسد «چه» را سوزاند و بقایای استخوانش را در مکان نامعلومی خاک کرد. سال‌ها بعد در پی فشار دولت کوبا و شخص فیدل کاسترو، دولت بولیوی استخوان‌ها را در تابوت گذاشت و به کوبا فرستاد تا «چه‌گوارا» در میان اشک و احترام دفن شود .

می‌گویند وقتی که یک چهرهء مبارز در خاک می‌افتد و کسی که صاحب یک عقیده و ایدئالوژی است و اعتقاد به انسان و شرف انسان و انسانیت دارد هیچ گاهی نمی‌میرد تا جایکه سیاوش کسراییی گفته است:

توزندهء هنوز که بیداد زنده است.

توزندهء هنوز که باروت زنده است

تو در میان هلهله های دلاوران

تو در میان زمزمهء دختران کوه

در شعر در شراب و شبیخون تو زندای !

چه گوارا رفت و یادش هر روز با شعار هر انسان مبارز که ضد امپریالیسم امریکا شعار میدهد زنده میشود و هر انسان را به یاد روز گاری میاندازد که چه « مرگ بر امپریالیسم امریکا » میگفت . زنده باد چه ! آرمان انسانی چه ! و زنده باد پیروان مبارز و آزادیخواهی که راه چه را دنبال میکنند تا برای نجات بشر و انسان و شرف انسان و انسانیت مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و یاران بی رحمش ادامه میدهند!

زنده باد چه و بر افراشته باد درفش سرخ ارنستو رافائل دولا سرنا

www.ayenda.org